



ترامپ و میدان تصمیم‌گیری برجام؛ از خروج تا سناریوی آینده



دکتر محبوبه روحی* - دکتر حمید احمدی نژاد**

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

در ابتدا گمان می‌رفت که امضای توافق برنامه جامع اقدام استراتژیک پایانی خوش بر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بین ایران و آمریکا باشد. اما با ورود ترامپ به کاخ سفید و رویکرد سراسر تهاجمی او علیه ایران، برجام نه تنها نتوانست به عنوان آغاز پایان مخاصمات شدید بین دو کشور عمل کند بلکه خود نیز قربانی نگرش ترامپ شد. تحلیل‌های متعددی در خصوص علت‌یابی این رویکرد ترامپ صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد فرا رفتن از تحلیل‌های صرف مادی و غیرمادی و درک ارتباط پیوستار یا همان فضای ساختار اجتماعی، بهتر و واقع‌بینانه‌تر می‌تواند سرشت واقعی علت رویکرد او را نشان دهد. لذا سوال اصلی این مقاله آن است که چه عاملی باعث عملکرد و ساخت دنیای اجتماعی ترامپ نسبت به برجام شد و با فرض احیاء برجام در دوره‌ی بایدن، در صورت به قدرت رسیدن مجدد ترامپ چه سناریویی در انتظار آن خواهد بود؟ یافته‌های پژوهش براساس روش توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد که سرشت خاص وجوه سرمایه، منش و خشونت نمادین به عنوان سه وجه میدان تصمیم‌گیری ترامپ باعث مخالفت و در نتیجه خروج او از برجام شد و سیاست‌های خروجی این وجوه به دلیل ثابت آنها باعث خواهد شد تا در صورت به قدرت رسیدن او در سال ۲۰۲۴، به فرض احیاء برجام در دوره‌ی بایدن ترامپ مجدداً همان رفتار قبل را درباره آن اتخاذ نماید.

کلیدواژگان

برجام، میدان تصمیم، سرمایه، منش، خشونت نمادین، دونالد ترامپ.

* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

** نویسنده مسئول، پژوهشگر پسادکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. / ایمیل:

ahmadinejad@khu.ac.ir

مقدمه

سیاست خارجی آمریکا در همه‌ی ادوار با وجود اختلافات در نحوه‌ی اجرا، در قرار دادن موضوع هسته‌ای ایران به عنوان تهدیدی بزرگ علیه منافع امنیتی ایالات متحده یکسان بوده است. این چالش پس از تقریباً دو دهه و مذاکرات بسیار طولانی مدت نهایتاً سال ۲۰۱۵ در دولت‌های اوباما و روحانی با امضاء موافقت‌نامه برجام به نظر به پایان رسید، چرا که توانست پس از دهه‌ها یخ خصومت در روابط ایران و آمریکا را تا اندازه‌ای ذوب کند. اما این پایان راه نبود، زیرا دونالد ترامپ در میان تعجب همگان با پیروزی در انتخابات سال ۲۰۱۶ درهای جدیدی از تضاد و تعارض با ایران را در سیاست خارجی آمریکا گشود که نه تنها برجام نتوانست از آن جلوگیری کند بلکه خود نیز قربانی نگرش منازعه‌آمیز ترامپ شد. مسأله‌ی این پژوهش دقیقاً تمرکز بر همین نکته است که چرا ترامپ به یک توافق بین‌المللی که از سوی دیگر قدرت‌های بزرگ نیز به امضاء رسیده بود پایبند نشد. به عبارتی چه عواملی تا این اندازه مهم بودند که توانستند ترامپ را با وجود همه‌ی مخالفت‌های بین‌المللی راضی به خروج از برجام نماید. لذا این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که چه عاملی باعث عملکرد و ساخت دنیای اجتماعی ترامپ نسبت به برجام شد و با فرض احیاء برجام در دوره‌ی بایدن، در صورت به قدرت رسیدن مجدد ترامپ چه سناریویی در انتظار آن خواهد بود؟. طبق فرضیه پژوهش، برجام حاکی از میدانی با درجه بسیار شدید منازعه میان منافع ایران و ترامپ بود، که ترامپ در آن براساس عوامل سه‌گانه‌ی سرمایه، منش و خشونت نمادین تصمیم به خروج از آن گرفت و در صورت احیاء آن و نیز به قدرت رسیدن مجدد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ باز هم باید منتظر همین رویکرد قبلی او در قبال آن باشیم. روش مورد استفاده در پژوهش برای به آزمون گذاشتن این فرضیه توصیفی و تحلیلی خواهد بود. هدف پژوهش آن است تا با کاربرد روش تلفیقی پیر بردیو مبتنی بر تئوری میدان تصمیم‌ورای تحلیل‌های انجام گرفته، نشان دهد چگونه مولفه‌های سه‌گانه‌ی سرمایه، منش و خشونت نمادین در میدان تصمیم‌ترامپ یک ساخت اجتماعی که محصول کنش او بودند و در عین حال کنش وی را کنترل و مهار کردند به رفتار در خصوص برجام شکل داد و در آینده‌ی احتمالی نیز منجر به همین رفتار خواهد شد.

۱- پیشینه پژوهش

برخی از آثار مرتبط با این موضوع عبارتند از؛

زمانی و نیاکویی در مقاله «واکاوی عوامل موثر بر خروج ایالات متحده از برجام» (زمانی و نیاکویی، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۸۵)؛ (Zamani & Niyakuei, 2019: 85-110) به این نتیجه رسیده‌اند که ثابت ماندن ماهیت تهدیدآمیز از ایران بعد از برجام باعث خروج ترامپ از آن شد. این مقاله اگرچه بر علت‌یابی غیرمادی مسأله متمرکز شده، اما با محور این پژوهش یعنی اتکاء به تاثیر این عناصر برآمده از شخصیت ترامپ متفاوت است.

رحیمی در مقاله‌ای با عنوان «ناسیونالیسم ترامپ در چارچوب سنت جکسونی و تاثیر آن بر تنش ایران و آمریکا» (رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۲۸-۲۰۱)؛ (rahimi, 2020: 201-228) عدم تامین منافع آمریکا را عامل خروج ترامپ از برجام دانسته است. این مقاله اگرچه برخی وجوه این پژوهش را پوشش می‌دهد، اما نگاه دیالکتیکی و رویکرد نظری این پژوهش کاملاً متفاوت از آن است.

پرویتا و رازاک^۲ در مقاله «سیاست خارجی ایالات متحده در قبال تهدید هسته‌ای ایران از بیل کلینتون تا دولت دونالد ترامپ»^۳ (Perwita & Razak, 2020: 17-44) معتقدند سیاست آمریکا در موضوع هسته‌ای ایران همواره بر اصل تهدیدانگاری آن متمرکز بوده است. تاکید بر عناصر غیرمادی و ویژگی‌های فردی با تمرکز بر یک دوره (ترامپ) نوآوری و تفاوت این پژوهش با مقاله‌ی این نویسندگان است.

نوروزامان^۴ در مقاله «کمپین حداکثر فشار رئیس جمهور ترامپ و پایان بازی ایران»^۵ (Nuruzzaman, 2020: 1-13) به این نتیجه می‌رسد که علت سیاست‌های ایران و ترامپ مواضع بسیار خصمانه‌ی آنها علیه یکدیگر و تامین نشدن اهداف‌شان در برجام بوده است. این مقاله صرفاً بر اهداف کمپین فشار حداکثری ترامپ متمرکز شده و به بررسی علل این اهداف به عنوان نوآوری پژوهش حاضر نپرداخته است.

بطور کلی تفاوت بارز این مقاله با آثار قبلی ضمن استفاده از نظریه‌ای متفاوت به عنوان چارچوب تحلیل، در نظر گرفتن یک فضای ساخت‌مند متأثر از هم‌زمانی عوامل درونی و بیرونی برای روشن شدن واقعیت تصمیم دونالد ترامپ در جهت خروج یک‌جانبه از برجام است.

۲- مبانی نظری؛ میدان تصمیم

میدان مفهومی برای نشان دادن نحوه‌ی عملکرد و کمک به ما در درک چگونگی ساختن دنیای اجتماعی است (Bourdieu, 2020: 6). بوردیو معتقد است جامعه از مجموعه‌ای از بازی‌های رقابتی به نام میدان تشکیل شده است که هر میدان درست همانند یک بازی قواعد خاص خود را دارد و در یک میدان سیاسی نزاع بر سر قدرت است. مهمترین ویژگی‌های این میدان عبارتند از: «۱. قلمرو منازعه بر سر منابع ارزشمند یا همان سرمایه؛ ۲. فضای ساخت‌مند ناظر بر موقعیت‌های مسلط و تحت سلطه براساس نوع سرمایه؛ ۳. به کنشگران اشکال خاص منازعه را تحمیل می‌کند» (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳: ۸۳)؛ (Ganji & Heydarian, 2014: 83). وجوه مورد نظر میدان در این پژوهش را

¹. Anak Agung Banyu Perwita

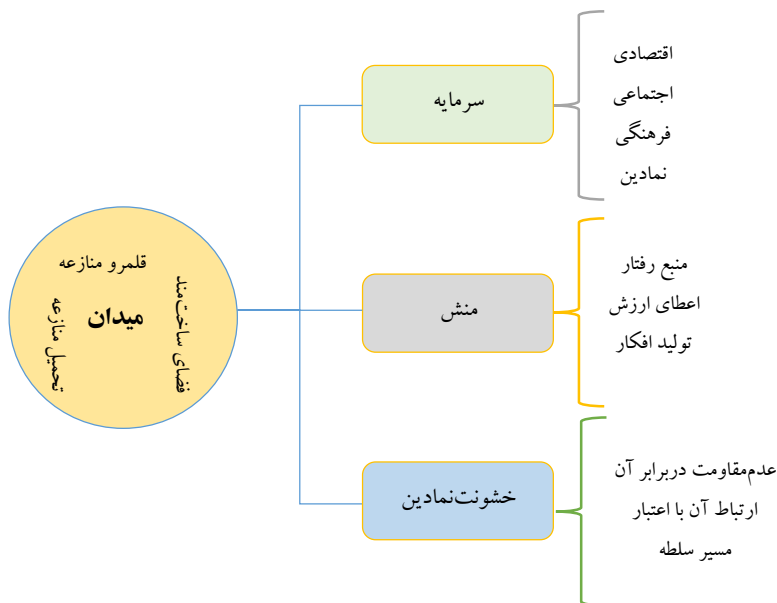
². Muhammad Ilham Razak

³. U.S. Foreign Policy Towards Iranian Nuclear Threat from Bill Clinton to Trump Administration

⁴. Mohammed Nuruzzaman

⁵. President Trump's 'Maximum Pressure' Campaign and Iran's Endgame

می‌توان به صورت زیر نشان داد؛



شکل ۱. وجوه میدان تصمیم (نگارندگان، ۱۴۰۱)

Figure 1. Dimensions of the decision field

Source: (Authors, 2022)

اول، سرمایه؛ بورديو سرمایه را استعاره‌ی مفیدی برای روشن کردن روند مستمر بازسازی نظم اجتماعی می‌داند. در نظریه او سرمایه در هر میدانی میان بازیگران چهار نوع اقتصادی شامل دارای مالی و نهادی، اجتماعی شامل تکالیف و تعهدات، فرهنگی شامل نگرش‌ها و ترجیحات و نمادین مانند پرستیژ و حیثیت است (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳: ۸۴)؛ (Ganji & Heydarian, 2014: 84)

دوم، منش؛ عادت یا منش به عنوان یک منبع ناخودآگاه رفتاری متشکل از طرح‌های مفهومی و گرایش‌هایی است که استراتژی و تاکتیک‌های فرد را هدایت و کنترل کرده و در نتیجه همه‌ی افکار، ادراکات و اقدامات را سازگار با شرایط خود ایجاد می‌کند (Spiegel, 2005: 14). از اینرو در نظریه بورديو یک تناسب طبیعی بین عادات افراد و میدان‌هایی که در آنها حضور دارند وجود دارد (Wiegmann, 2017: 97). از این منظر، عادت روشی برای تجزیه و تحلیل و نیز اصطلاحی برای

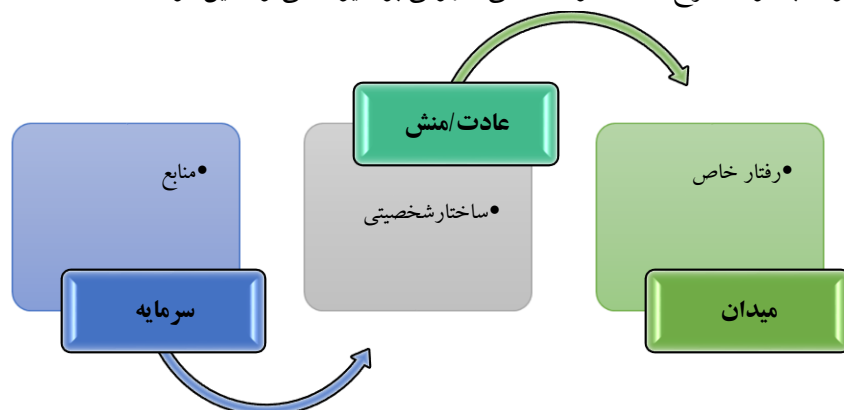
¹. Capital

². Habitus

به تصویر کشیدن درونی‌سازی‌ها و تاثیر آنها بر هر دو سطح فردی و جمعی است (Wagner and Laughlin, 2015: 205). عادت با اعطای ارزش فرهنگی به اشیاء، اعم از مادی یا غیرمادی نوعی جهان‌بینی را در خصوص آنها القاء می‌کند. به زبان ساده‌تر در چارچوب عادت، برخی از چیزها ارزش دارند و برخی دیگر نه (Gillespie, 2019).

سوم، خشونت نمادین! خشونت نمادین همانند هواست که ما آن را جذب می‌کنیم، لذا مقاومت در برابر آن دشوار است. در واقع این مفهوم «همه جا است و هیچ جا نیست» در نتیجه فرار از آن دشوار است» (Wiegmann, 2017: 97). خشونت نمادین از آنجا که با باور و اعتماد دیگران وجود عینی و استمرار می‌یابد در نتیجه راه سلطه و نیز مشروعیت را فراهم می‌کند. بنابراین کسانی که در میدان‌های سیاسی پیروز می‌شوند حق تحمیل کالاهای نمادین خود را علیه طرف مقابل کسب می‌کند.

با توجه به موارد طرح شده منظومه‌ی کلی مفهومی بوردیو را می‌توان این گونه نشان داد:



شکل ۲. فرآیند شکل‌گیری تصمیم در نظریه بوردیو (نگارندگان، ۱۴۰۱)

figure 2. The process of decision formation in Bourdieu theory

Source: (Authors, 2022)

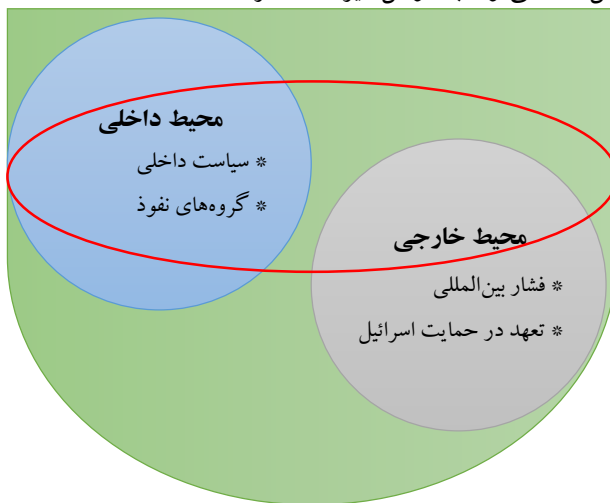
در توضیح این طرح باید گفت که منابع به عنوان (سرمایه)، یک ساختار شخصیتی تولید (عادت‌ها) و این ساختار انواع خاصی از رفتار را در زمینه‌های اجتماعی (میدان) شکل می‌دهد (Riley, 2017: 111).

^۱ Violence Symbolique

^۲ it is everywhere and nowhere

۳- میدان تصمیم ترامپ و اضلاع آن در قبال برجام

در محیط استراتژیک داخلی و خارجی که در اغلب دوره‌ها به سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران شکل داده می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد؛



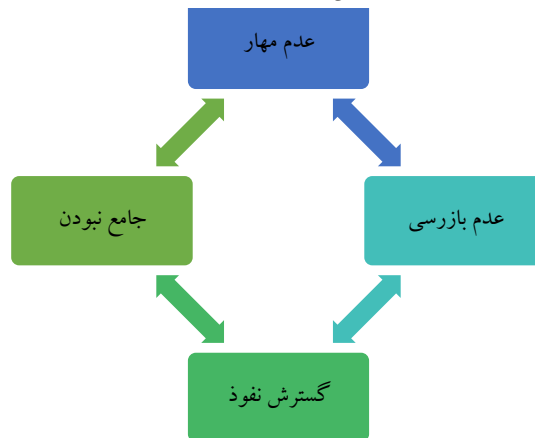
شکل ۳. تجسم محیط استراتژیک سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران در دولت بیل کلینتون، جورج بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ (Perwita and Razak, 2020: 21)

Figure 3. Visualization of the strategic environment of American foreign policy towards Iran in Bill Clinton Administration, George Bush, Barrack Obama & Donald Trump Administration (Perwita and Razak, 2020: 21)

در همین ارتباط در سطح تاثیر عوامل داخلی، ترامپ به عنوان یک رهبر غیرقابل پیش‌بینی در حوزه سیاست خارجی بیش از حد انتظار دارای روشی سختگیرانه بود (Mossalanejad, 2018: 46). «به دنیا نمی‌توان اعتماد کرد، این فصل اول در داستان زندگی دونالد ترامپ است. ترامپ از پدرش آموخته بود که جهان مکان خطرناکی است و همیشه باید آماده جنگ بود» (Adams, 2016). منطق بر همین جهان‌بینی، برخلاف اوباما که از مهار برنامه هسته‌ای ایران از طریق برجام خوشحال بود و آن را به عنوان مبنایی برای کاهش تنش در آینده از طریق اعتماد تصور می‌کرد، استراتژی ترامپ نسبت به آن بسیار بیشتر بلندپروازانه و جاه‌طلبانه بود (Almohannadi, 2020: 36). از طرفی با توجه به این که گرایش‌ها در سیاست خارجی ترامپ با یک موضوع ثابت، یعنی تلاش برای طرد هرگونه بقایای سیاست خارجی اوباما و حتی بوش پیوند خورده بود (Sloan, 2020: 38)، در نتیجه خروج او از برجام به عنوان آخرین میراث و «انتقام‌گیری شخصی از دولت اوباما» (Mousavian

and Mahmoudieh, 2018: 144) امری مسلم بود. از نظر ترامپ توافق هسته‌ای، تاخیر صرفاً کوتاه‌مدت و موقتی در راه ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای، جامعه بین‌المللی بازرسی‌های ضعیفی به دست آورد و مهمتر از همه آن که ایران برخلاف روح برجام نیز عمل کرده است (رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۲۰)؛ (Rahimi, 2020: 220).

به این ترتیب اولین اقدام او خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای بود که از آن به عنوان «بدترین توافق تاریخ» یاد می‌کرد. ترامپ چهار دلیل را علت لغو توافق دولت او با ما ذکر کرد؛



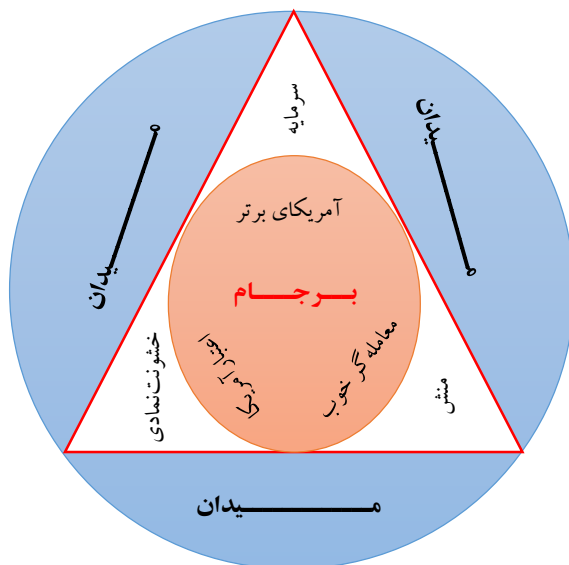
شکل ۴. دلایل ترامپ در رد برجام (نگارندگان، ۱۴۰۱)

Figure 4. Trump's reasons for rejecting the JCPOA

Source: (Authors, 2022)

اول، توافق نتوانست در کنترل تهدید ایران موفق باشد؛ دوم، سازوکار کافی برای بازرسی را فراهم نکرد؛ سوم، با امتیازاتی که به دست آورد نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش داد؛ چهارم، هیچ الزامی در خصوص برنامه موشک‌های بالتستیک ایران ارائه نداد (Perwita & Razak, 2020: 21). این دلایل نشان می‌دهد که خصومت دولت ترامپ با برجام بخشی از سیاست گسترده‌تر مقابله با نفوذ ایران در سراسر منطقه بوده است (Barnes, 2018: 3).

خلاصه آن که، غیرسازی خصمانه و شدید ترامپ از ایران در بالاترین و خطرناک‌ترین درجه احساس تهدید یعنی تهدید هویتی باعث شد تا در نگاه او، ایران به عنوان «دگر» آمریکا در همه‌ی ابعاد تهدیدی اساسی تلقی شود، در نتیجه برخلاف او با ما که مایل به تغییر رفتار ایران بود نقطه‌ی عزیمت سیاست خارجی او در قبال این «غیر» مهار، کنترل و خروج از برجام نیز تاکتیکی در راستای این مهار بود. عملیاتی شدن این تاکتیک ترامپ نسبت به برجام را در قالب سه ضلع میدان تصمیم‌گیری می‌توان به صورت زیر نشان داد؛



شکل ۵. اضلاع و مولفه‌های میدان تصمیم ترامپ (نگارندگان، ۱۴۰۱)

Figure 5. The sides and components of Trump's decision field

Source: (Authors, 2022)

۳-۱- سرمایه

ترامپ آمریکای هژمون و برتر را سرمایه‌ای می‌دانست که به دلیل عملکرد روسای جمهور قبل این کشور در حال از دست رفتن بود و از همین رو محور اصلی استراتژی‌های خود را شکل‌دهی دوباره به این سرمایه تعریف کرد. از سوی دیگر با توجه به این که دشمن پیچیده‌ترین، جزئی‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین اصل در سیاست خارجی دونالد ترامپ بود، مبتنی بر همین نگاه دشمن‌مدارانه وی یکی از عوامل تهدیدزای سرمایه (آمریکا)، را محور ضد هژمون یعنی روسیه، ایران و چین می‌دانست. در رویکرد ترامپی این محور تماماً از چهارچوب فرهنگ آمریکایی خارج بود و از اینرو مرکزیت سیاست خارجی او براساس مقابله با این محور و هدف آنها یعنی شکل‌گیری نظام چندقطبی شکل گرفت (کیوانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷)؛ (Keyvani et.al., 2020: 17). اما در بی‌نظمی سیاسی دولت ترامپ، ایران در محور ضد هژمون به عنوان اولویت اول نگریسته شد و بر همین اساس از آنجا که معتقد بود دیپلماسی او با ما با ایجاد توافق هسته‌ای باعث قدرت گرفتن این کشور شده لذا استفاده از قدرت آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی را تنها راه می‌دانست (ازغندی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۹)؛ (Azghandi & Jahangiri, 2019: 9). شکل‌دهی به اتحاد امنیتی

تحت عنوان ناتوی عربی در ژوئیه ۲۰۱۸، که واشنگتن آن را اتحاد استراتژیک خاورمیانه نامید در راستای همین مقابله بود که ترامپ انتظار داشت به عنوان سنگر در برابر نفوذ ایران فعالیت کند (Nuruzzaman, 2020: 7).

در واقع از دید ترامپ آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌دیگر «نه آن شهر روی تپه است که باید تحت مراقبت قرار گیرد و نه مسئول برقراری صلح در نظام بین‌الملل، بلکه دیو از پا افتاده‌ای است که باید دوباره جان بگیرد» (ترابی و طاهری‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۷۶)؛ (Toraby & Taheri Zadeh, 2019: 176). در این رویکرد هر کنشگری که علیه‌ی این دیو تصور شد یا باید در راهبرد خود تجدیدنظر کرده و در مسیر ارزش‌ها، قواعد و هنجارهای آن قرار گیرد و یا با راهبرد تهاجمی سخت علیه‌ی او اقدام کرد. لذا شعار اول آمریکا از سوی ترامپ به معنای مقابله یا تلاش برای بازنگری در آن دسته قرارداد‌های بین‌المللی بود که گمان می‌رفت منافع آمریکا را نادیده گرفته و یا آن که با منافع این کشور در تعارض است. در مجموع می‌توان گفت در دیدگاه ترامپ هر چهار نوع سرمایه‌ی مطرح در نظریه‌ی بوردیو بر اثر برجام به ضرر آمریکا تمام شده بود. به این معنا از دریچه‌ی سرمایه‌ی اقتصادی منفعتی فراوانی نصیب ایران کرد در حالی که عایدی آمریکا صفر بود، در بحث سرمایه‌ی فرهنگی به عنوان پابرجاترین نوع سرمایه‌ی خصومت ایران با ارزش‌ها و ترجیحات فرهنگی آمریکا باقی مانده بود، از منظر نمادین جمهوری اسلامی هنوز احترامی برای پرستیژ و حیثیت آمریکا قائل نبود و نهایتاً از منظر اجتماعی از نگاه ترامپ ایران به تعهدات و تکالیف خود پایبند نبوده است. می‌توان گفت نگرش ترامپ به تضعیف سرمایه (یعنی آمریکا) در برابر ایران به اندازه‌ی موثر بود که «باعث مرگ مغزی سیاست خارجی او در قبال ایران شد» (احدی و احدی لیلان، ۱۳۹۹: ۵۷)؛ (Ahadi and Ahadi Lilan, 2021: 157). نمونه‌ی عملی این مرگ مغزی پس از خروج از برجام و بی‌فایده بودن راهبردها در قبال ایران ترور سردار سلیمانی بود که نشان از اوج عصبانیت و خشم ترامپ و تلاش برای احیاء مجدد پارادایم امنیت آمریکایی در منطقه بود. در این روند خروج از برجام برای منروی کردن ایران به نوعی آغاز احیاء این ساختار امنیتی و بازگرداندن آمریکای برتر به جایگاه خود به عنوان سرمایه‌ی اصلی مدنظر ترامپ بود.

۳-۲- منش

در سیاست خارجی آمریکای دوره‌ی ترامپ متغیر فرد بر دیگر متغیرها کاملاً چیره شده بود (احدی و احدی لیلان، ۱۳۹۹: ۱۴۶)؛ (Ahadi and Ahadi Lilan, 2021: 146). حاصل این ویژگی‌های فردی از جمله کنش به سبک زندگی خاص، رفتار تجسم‌یافته، جهان‌بینی و ترجیحات به عنوان اجزای تعریف شده منش از سوی بوردیو، منطقی خاص از عادت در ترامپ تحت عنوان خودسالاری بود. براساس الگوی شخصیت‌شناسی مارگارت هرمن اترامپ شخصیتی قدرت‌طلب،

¹. Margaret Herman

اقتدارگرا، با اعتماد به نفس بالا و نیز عدم اعتماد به سیستم نظم بین‌الملل داشت. حاصل جمع این ویژگی‌ها اتکاء به رویکرد منازعه‌آفرین در تیپ شخصیتی ترامپ بود. دکتر ایان هوز معتقد است در همه افراد نیروهای شیطانی درونی مانند انگیزه‌های سلطه و انتقام و نیروهای نیک مانند انصاف، خویشن‌داری و خردورزی با هم همزیستی دارند. وقتی شرایط اجتماعی، مادی و فرهنگی از نیروهای نیک حمایت می‌کند خشونت کم و زمانی که شرایط به نفع نیروهای اهریمنی است خشونت افزایش می‌یابد. وی برآمدن ترامپ و رویکردهای او را حاصل غلبه‌ی نیروی‌های درونی شیطانی می‌داند (Hughes, 2020). از طرفی با توجه به این نکته که بسیاری از متخصصان بهداشت روان معتقد به اختلال خودشیفتگی شدید در نتیجه استثمار، اختلال تعامل، ستایش مداوم، اعتقاد به برتری و در ترامپ... هستند و از آنجا که چنین افرادی رویای تحمیل قدرت و روش خود را بر محیط و جامعه دارند، در نتیجه باید گفت غلبه‌ی منش‌های سلطه‌گرایانه در ترامپ زمینه‌ی افزایش خشونت در او را به وجود آورد. در همین ارتباط مری ترامپ ابردرزاده دونالد ترامپ در کتاب «خیلی زیاد اما هرگز کافی نیست»^۱ ضمن این ادعا که خانواده او خطرناک‌ترین مرد جهان را به وجود آوردند، با ایجاد ارتباط بین رفتارهای ترامپ و دنیای کودکی او به عنوان بچه‌ای پرخاشگر و غیرقابل کنترل بیان می‌کند که در سال‌های اول زندگی مراقبت‌های لازم برای او فراهم نشده است. او مادر ترامپ را فردی خودشیفته دانسته که بیشتر از نیازهای فرزندان خود به نیازهای خود فکر می‌کرد. نکته قابل تامل در این کتاب آن است که پس از مرگ مادر ترامپ، دونالد در حالی که بزرگتر می‌شد در معرض سختگیری بش از پدرش قرار گرفت به طوری که برای او جهان حول اقتدارگرایی پدرش می‌چرخید (Narvaez, 2020).

حاصل جمع این تأثیرات و ویژگی‌های شخصیتی ترامپ باعث شد تا او خود را به عنوان ناجی و کسی که نگرانی‌ها و ترس مردم آمریکا را درک کرده و نیز تنها کسی که می‌توانست سیاست‌های لازم برای مقابله با این نگرانی‌ها و ترس‌ها را به مردم آمریکا ارائه دهد معرفی کند (Gerretsen, 2017: 82). یکی از این ترس‌ها همان گونه که در موضوع سرمایه گفته شد احساس تهدید از ناحیه ایران بود که سیل حمله به این تهدید نیز برجام بود.

همچنین در مورد ترامپ، مفهوم معامله نمایانگر چیز است که روانشناسان آن را طرح‌واره شخصی^۲ یعنی روش شناخت می‌نامند. به این ترتیب وقتی ترامپ همه‌ی ابعاد جهان اجتماعی را از

^۱ هوز (Ian Hughes) از محققین برجسته اختلالات شخصیتی در ایرلند و از نویسندگان کتاب‌های مرتبط با روانشناسی ترامپ است.

^۲ Mary Lea Trump

^۳ Too Much and Never Enough: How My Family Created the World's Most Dangerous Man

^۴ Personal Schema

منظر معامله نگاه می‌کند رد پای تاثیر منش او نسبت به برجام را می‌توان از خلال کتاب هنر معامله او دریافت. ترامپ در این کتاب به مدیران و معامله‌گران توصیه می‌کند که؛ «بزرگ فکر کنند، از اهرم فشار خود استفاده و همیشه مبارزه کنند. هنگامی که وارد مذاکره می‌شوید از موضع قدرت شروع کنید. شما باید بزرگ بودن را تمرین کنید. من بالاترین نقطه را هدف می‌گیرم و سپس فقط فشار می‌دهم و فشار می‌دهم و فشار می‌دهم تا آنچه را که دنبال می‌کنم بدست آورم» (Adams, 2016). این خط فکری و عادت ترامپ به نحوه‌ی مذاکره و ارتباط دادن آن به دو اصل توافق بد و نگاه به سیاست از دریچه تجارت، نشان می‌دهد که او براساس منش خود برجام را توافقی می‌دانست که بالاترین نقطه را هدف قرار نداده و چیزی که او به دنبال آن بوده یعنی از بین بردن نفوذ منطقه‌ای ایران را تامین نکرده است، لذا به هیچ‌رو نمی‌توانست مورد قبول واقع شود. به عبارت بهتر همراهی دو اصل در برجام یعنی توافق بد و سنگینی ضرر آمریکا نسبت به سود ایران باعث شد تا ترامپ به عنوان یک معامله‌گر این توافق را فسخ کند. با توجه به همین ویژگی روانشناختی، در کنار ترکیبی از بی‌تجربگی سیاسی، عصبانیت مزاج و توجه کوتاه‌مدت است که بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی ادعا می‌کنند موفقیت‌های ترامپ در مقایسه با روسای جمهور گذشته آمریکا ناچیز بوده است (Drezner, 2020: 390).

۳-۳- خوشونت نمادین

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت تاریخی ضدهژمونی که غالباً در برابر هنجارهای تعریف شده‌ی غرب در نظام بین‌الملل قرار گرفته تصور شده است (Wastnidge, 2020: 2). به این ترتیب علاوه بر آن که برجام باید از بین می‌رفت، هیچ راهی از مسیر سیاست خارجی ترامپ نیز برای دستیابی به یک توافق عملی و فراگیر مجدد با ایران ممکن نبود، چرا که برخی از اهداف دولت او از جمله مدیریت برنامه موشک‌های بالستیک و پایان حمایت از گروه‌های شیعه در منطقه در برابر اصول اساسی ایران قرار داشت.

به واقع خوشونت نمادین در دوره‌ی ترامپ برای مسلط شدن اهداف او در ارتباط با ایران مستلزم یک چرخش کامل از سوی ایران و عقب‌نشینی از گفتمان انقلابی بود که جمهوری اسلامی براساس آن بنا شده بود (Almohannadi, 2020: 34). خروجی این هدف نیز همان تلاش برای احیاء ارزش‌های آمریکایی مد نظر ترامپ یعنی سلطه‌ی هژمونیک این کشور در مقابل ایران بود. بنابراین باید گفت اهداف متصور در ذیل مولفه‌ی خوشونت نمادین دوره‌ی ترامپ به گونه‌ای ترسیم شده بود که با توجه به تاریخ طولانی تقابل مولفه‌های فرهنگی بین ایران و آمریکا تنها مسیر را قطع همکاری و جنگ سرد تعریف می‌کرد. از سوی دیگر نکته قابل تامل آن بود که تاکتیک ترامپ برای ایجاد حمایت از سوی افکار عمومی داخلی ایران به وسیله‌ی سیاست تحریم گسترده و فشار بر زندگی عامه‌ی مردم با توجه به احساسات شدید ضدامپریالیستی آنان با شکست مواجه شد و لذا بعد

دیگر سیاست ترامپ برای ایجاد سلطه‌ی ارزش‌های آمریکایی بر پایه‌ی زور نیز به سنگ خورد و همین عامل باز روند اتکاء دولت مردان ترامپ به بهره‌گیری از خشونت نمادین اقتدارگرایانه به معنی تلاش برای مجاب کردن مقامات ایران به پذیرش خواسته‌های آمریکا را بیشتر کرد. مبتنی بر نگاه بوردیو که تحمیل فرهنگی و تلاش برای نشان دادن این که یک فرهنگ به منزله بهترین، برترین و مشروع‌ترین نوع فرهنگ و سبک زندگی است باید گفت از آنجا که پایه‌ی اصلی سیاست خارجی ترامپ بر «حذف دیگران» استوار شده بود (کیوانی، آئینه‌وند و آئینه‌وند، ۱۳۹۹: ۱۴)؛ (Keyvani, Ayenehvand & Ayenehvand, 2020: 17)، در نتیجه همه‌ی رویکرد ترامپ نسبت به خروج از برجام در همین مفهوم خشونت نمادین جلوه‌گر می‌شود. به این معنا که او تلاش داشت سلطه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ مورد نظر خود را در موافقت‌نامه‌ای جدید احیاء کند که ایران حاضر به پذیرش آن نبود. در خصوص همین تلاش برای احیاء ذیل خشونت نمادین ترامپ می‌گوید: «آنان که به نام آمریکا مذاکره کردند افراد نادانی بودند که باعث از دست رفتن احترام آمریکا و شکست در تمام جبهه‌ها شدند لذا این کشور باید از ابزارهای قدرت خود برای پیشبرد سیاست‌ها خویش استفاده کند» (کریمی و موسوی، ۱۳۹۸: ۱۹۱)؛ (Karami & Mousavi, 2019: 191)، و خروج از برجام برای الزام ایران به بازگشت به مذاکره جدید در راستای همین تصحیح چهره‌ی آمریکا بود.

در واقع در عصر جدید آمریکایی به بیان فریدمن ابرقدرت شدن کنش‌گران حاشیه‌ای که قابلیت تهدید دولت بزرگی مثل آمریکا را دارند در مرکز توجه ایالات متحده قرار گرفت که در این میان ایران به نوعی مهمترین این بازیگران تلقی شد. تشدید این ادراک باعث شد تا ترامپ با هدف بازگرداندن ایران به جای خود و منزوی ساختن آن اولین گام را خروج از برجام تصور کند. در انطباق با نظریه‌ی بوردیو می‌توان گفت عدم پیروزی ترامپ در مقابل ایران برای یک موافقت کلی‌تر ابتدا با ابزار تهدیدات انتخاباتی در خصوص پاره کردن برجام و سپس رویکردهای ظاهری او در پایبندی به برجام طی چند ماه اول دولتش، باعث شد حق تحمیل کالاهای نمادین خود علیه ایران را به دست نیاورد و همین امر در نهایت زمینه‌ی قاطعیت او برای خروج از برجام را به وجود آورد.

۴- ترامپ ۲۰۲۴ و میدان تصمیم برجام

یکی از مهمترین فزاینده‌ی ورود جو بایدن به کاخ سفید را فراهم کرد، تاکید او بر بازگشت به برجام بود. در این میان تقاضای گسترده‌ای در میان سیاستمداران و رهبران مذهبی و نیز جامعه‌ی جهانی از بایدن برای به نتیجه رساندن این شعار خود وجود دارد که در آخرین مورد آن

می‌توان به بیانیه‌ی کمیته دوستان در قانونگذاری ملی^۱ با امضای رهبران پروتستان، کاتولیک، انجیلی، یهودی و شورای ملی کلیساها اشاره کرد که در آن تاکید داشتند «ما از بایدن می‌خواهیم بر سر میز مذاکره با ایران بماند و شجاعت اقدام شجاعانه برای صلح را داشته باشد» (Irna, 2022). با توجه به این شرایط باید گفت اگرچه حالا پس از گذشت چیزی کمتر از دو سال از به قدرت رسیدن بایدن می‌گذرد و طی این مدت در راس شکست‌های دیپلماتیک وی، شکست در مذاکره با ایران قرار دارد (Hussain, 2022)، اما با این حال به فرض غلبه‌ی میدان تصمیم بایدن مبنی بر تمایل او به احیاء برجام و در نهایت بازگشت به این توافق باید پرسید در صورت بازگشت مجدد ترامپ به قدرت چه سناریویی در انتظار برجام احیاء شده خواهد بود؟.

اغلب نظرسنجی‌های صورت گرفته در آمریکا حکایت از کاهش محبوبیت بایدن و پیشتازی قاطعانه‌ی ترامپ با احتمال حضور در انتخابات ۲۰۲۴ دارد. با توجه به همین ترامپ نیز در اولین حضور خود در واشنگتن پس از ترک قدرت، در انستیتوی سیاست اول آمریکا با انتقاد از بایدن اعلام کرد؛ «ما برای بازگشتی شکست‌انگیز آماده می‌شویم، گزینه‌ی دیگر نداریم» (یورونیوز، ۲۰۲۲)؛ (Euronews, 2022). با این اوصاف باید گفت بازگشت ترامپ به قدرت همراه با تحولاتی خواهد بود که بی‌شک روابط با ایران مجدداً در محور این تحولات قرار خواهد داشت. در این بین به فرض انعطاف دولت‌های رئیسی و بایدن و احیاء برجام در مدت زمان باقی‌مانده، می‌توان گفت با ورود احتمالی ترامپ به کاخ سفید، محتمل‌ترین سناریویی که درباره‌ی برجام رقم خواهد خورد خروج مجدد و یا عدم پایبندی به آن خواهد بود. در واقع به دلایل زیر حتی اگر ایران موفق به دستیابی به تضمین‌هایی از سوی دولت بایدن شود با ورود ترامپ، وی به هر شیوه‌ای که شده از آن امتناع خواهد کرد.

اول، نگرانی نسبت به جبهه‌ی ضد هژمون: همان‌طور که قبلاً بیان شد سیاست خارجی ترامپ درخصوص ایران همواره چیزی فراتر از برجام را طلب می‌کرد. به عبارتی مخالفت با برجام تنها پوششی برای اهداف گسترده‌تر او در ارتباط با ایران بود. چون ترامپ خود را متعهد به مهار، خلع سلاح و کاهش نفوذ ایران می‌دانست و این اهداف مستلزم تغییر رژیم بود (Simon, 2018: 7). در همین ارتباط باز یکی از نگرانی‌هایی که ترامپ به هنگام سخنرانی در واشنگتن بر آن تاکید داشت، محور رقابت قدرت‌های به اصطلاح ضد هژمون با آمریکا بود. در این محور همان‌طور که نشان داده شد ایران در مرکز انگاره‌های ترامپیستی قرار دارد. لذا بسیار بعید است که با گذشت زمان این انگاره تغییر و یا تعدیل یابد، بنابراین می‌توان گفت در صورتی که آمریکای ۲۰۲۴ شاهد ورود مجدد ترامپ به کاخ سفید باشد باید منتظر رویکردی مشابه و احتمالاً خصمانه‌تر از گذشته نسبت به ایران بود و در این میان اگر توافقی صورت گیرد باز اولین خاک‌ریز مدنظر ترامپ برای فتح خواهد بود.

¹. The Friends Committee on National Legislation

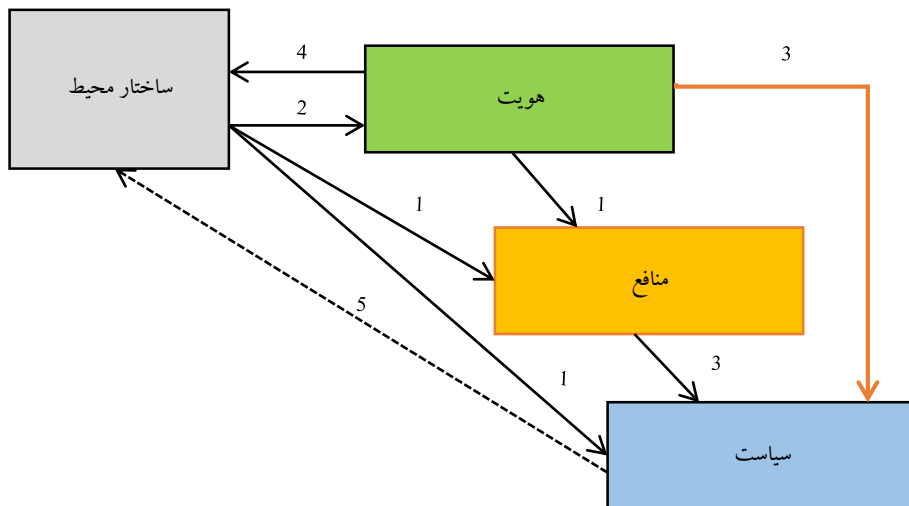
به‌خصوص که اگرچه بایدن در حال معکوس کردن برخی سیاست‌های دوران او است، اما بخش‌هایی از میراث ترامپ همچنان بسیار نامیراست و در این بین او با ساختن دیوارهای محکمی از مجازات‌ها علیه ایران، غلبه‌ی بایدن بر روح سیاست‌های ترامپی را با مشکل جدی مواجه کرده است. لذا این امر راه را برای اقدامات مشابهی همان ترامپ اول، برای ترامپ ۲۰۲۴ همواره خواهد کرد، چرا که او با بازگشت به دفتر بیضی‌شکل خواهد فهمید که «بخش زیادی از سیاست خارجی‌اش پس از چهار سال غیبت هنوز دست نخورده باقی مانده است» (Hirsh, 2022).

دوم، آنتی‌تزد در برابر بایدن: ترامپ سخت‌ترین مسیر را پیش‌روی دولت بایدن گذاشت. «درواقع عوامل زیادی در چشم‌انداز مرگبار احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ایران مقصر هستند اما شاید هیچ چیز بیشتر از میراث دونالد جی. ترامپ، تلاش‌های دولت بایدن را ناکام نکرده باشد» (Crowley & Jakes, 2022). رویکرد ترامپ باعث شد تا مقامات جمهوری اسلامی ایران بر مبنای عدم‌اعتماد حتی از نشستن مستقیم به دور میز مذاکره با آمریکا اجتناب و خواهان تضمین برای عدم خروج دولت آینده از توافق باشند. این امر خود زمینه‌ی پیچیده شدن مذاکرات را به وجود آورده است. گذشته از این، چیزی که آینده‌ی هر توافقی بین ایران و آمریکا را در صورت به قدرت رسیدن ترامپ تهدید می‌کند، مواضع مشخص او در قبال مذاکرات کنونی است. ترامپ بارها با انتقاد از بایدن، سیاست او در مذاکره با ایران را تهدید آمریکا خوانده و معتقد است اگر توافقی صورت گیرد خطر بزرگی خواهد بود زیرا این امر دسترسی تهران برای داشتن سلاح هسته‌ای را تسریع می‌کند. مواضع ترامپ در قبال رویکرد بایدن دقیقاً بازگشتی به همان مواضع او در قبال اوپاما است و لذا همان‌طور که تعامل اوپاما با ایران را منجر به تضعیف آمریکا خواند و سپس برای از بین بردن میراث او برجام را ترک کرد، حالا نیز نشانه‌های گفتاری وی حاکی از آن است که همان رفتار را با هر میراثی از بایدن در پیش خواهد گرفت. به عبارتی در دایره‌ی میدان تصمیم ترامپ، که مبتنی بر ویژگی معامله‌گرایی خود هر توافقی که به دست غیر او ایجاد شود را یک معامله وحشتناک می‌خواند که هرگز نباید انجام می‌شد، قطعاً توافق احتمالی بایدن با ایران را نیز از همین دریچه نگاه خواهد کرد. در مجموع، با توجه به این که از نگاه ترامپ هر توافقی که از مسیر دولت او نگذرد آرامش و صلح را به ارمغان نمی‌آورد و در نتیجه هرگز نباید وجود داشته باشد (Landler, 2018)، لذا این دال مرکزی بی‌شک او را وادار به تحمیل بدترین سناریو بر توافق احتمالی خواهد کرد.

سوم، ادامه سیاست اول آمریکا: ترامپ در سخنرانی واشنگتن، مجدداً تأکید کرد که همچنان پایبند به سیاست اول آمریکا است. او گفت: «ما آمریکا را قوی‌تر، امن‌تر، آزادتر، بزرگ‌تر و باشکوه‌تر از همیشه خواهیم کرد» (Lyn, 2022). در این سخنرانی، ترامپ با اعتقاد قاطع به این که یک جمهوری خواه سفید را به دست خواهد گرفت، گفت «اول آمریکا به معنای داشتن امنیت است» و در راه داشتن این امنیت اگر لازم باشد بد رفتار کنیم، بد خواهیم بود (Ward, 2022).

اعتقاد به سیاست اول آمریکا، ضمن ایجاد تقابل با رویکرد جهان‌گرایی بایدن که در بخش قبل توضیح داده شد. باعث یک استراتژی غیرقابل تغییر از سوی ترامپ خواهد شد. در این استراتژی الزام و پابندی به تعهدات هیچ ارزش و جایگاهی نخواهد داشت و لذا در صورت وقوع هر توافق جدیدی بین ایران و آمریکا، ترامپ با توجه آن که این توافق در ضدیت با «اول آمریکا» است به مخالفت با آن خواهد پرداخت. مخالفتی که در کمترین حالت عدم پابندی به آن و در بیشترین حالت ترک و بی‌اعتبار کردن آن خواهد بود.

چهارم، ثبات ژنوم^۱ هویتی - انگاره‌ای نسبت به ایران: انگاره‌هایی که فرهنگ یک دولت را می‌سازند نحوه درک جهان را نیز دیکته می‌کنند (Bleau, 2014: 7-8). این بدان معناست که هویت دولت که از طریق سیاست خارجی تدوین و بازتولید می‌شود، با کدهای از قبل موجود که به نوبه خود به عنوان هنجار عمل می‌کنند رفتار آینده را تشخیص و تهدیدات را محاسبه می‌کنند (Campbell, 1992: 10). در این راستا، ژنوم‌های شخصی، سیاسی و انگاره‌ای که به ندرت هم قابل تغییر هستند زمینه‌ی شکل‌گیری نگرش هستی‌شناختی در ترامپ نسبت به ایران را به وجود آورده که باعث ثبات رویکردی او در طول زمان می‌گردد. این فرآیند را می‌توان بدین صورت نشان داد؛



شکل ۶. روند شکل‌گیری نگرش امنیتی ترامپ به ایران (نگارندگان، ۱۴۰۱)

Figure 6. The formation process of Trump's security attitude towards Iran

Source: (Authors, 2022)

^۱. Gene

اول، هنجارها: عناصر فرهنگی یا نهادی محیط خارجی مانند اعتبار، حیثیت و قدرت برتر ذیل شعار ثابت اول آمریکا، گفتمان ترامپ را در قبال ایران شکل می‌دهد.

دوم، هنجارها: عناصر فرهنگی یا نهادی محیط داخلی مانند طرد قواعد دوره‌ی بایدن هویت دولت احتمالی ترامپ در برابر ایران را شکل خواهد داد.

سوم، هویت: هویت مبتنی بر نقش و رسالت دولت ترامپ به عنوان ناجی در خصوص تهدید ایران سیاست‌های دولت او را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

چهارم، شکل‌بندی هویت دولت: هویت شکل گرفته در دوره‌ی ترامپ ساختارهای هنجاری آمریکا نسبت به ایران را در سیستم بین‌الملل تحت تأثیر قرار خواهد داد.

پنجم، اثر بازگشتی: سیاست‌های دولت احتمالی آینده‌ی ترامپ عناصر فرهنگی و نهادی ساختار در قبال ایران را هم بازتولید و هم نوسازی کرد.

با توجه به استدلال‌های بالا می‌توان گفت؛ ترامپ ایران را به عنوان «دیگری» با ارزش‌ها و هنجارهای متعارض و متفاوت تعریف می‌کند که تلاش دارد هژمونی آمریکا را به چالش بکشد و در این معنا به قول ونت، این «دیگری» دشمنی تلقی می‌شود که کوچکترین افزایش قدرت آن تهدیدزا خواهد بود. بنابراین ذیل این تصور، سیاست خارجی ترامپ متأثر از نیازهای استراتژیک و نگاه به ایران از دریچه‌ی هستی‌شناختی در طول زمان ثابت و منجر به رفتارهای یکسان خواهد شد.

مجموع این عوامل باعث می‌شود تا با اطمینان بالایی بتوان تاکید کرد که محتمل‌ترین سناریو به معنای چیزی که با نشانه‌شناسی‌های گفتار، رفتار و اعتقاد کنونی ترامپ در صورت به قدرت رسیدن اتفاق خواهد افتاد، همان رفتاری خواهد بود که از ترامپ ۲۰۱۷ بروز کرد.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به سوال این مقاله مبنی بر فهم دلایل کنش ترامپ نسبت به برجام و همچنین رویکرد او در صورت احتمال به قدرت رسیدن مجدد در قبال احیاء یک توافق جدید در دوره‌ی بایدن، نتایج بررسی نشان داد که میدان تصمیم ترامپ حول یک رویکرد امنیتی، برپایه‌ی سه ضلع سرمایه، منش و خشونت نمادین ساختاری ساختمند را به وجود آورد که کنش ترامپ را هدایت و در عین حال او نیز به عنوان کنشگر این ساختار را بازتولید کرد. به زبان ساده‌تر و منطبق بر هدف پژوهش یعنی اتکاء به منظومه‌ی بورديو، آمریکای هژمون و برتر که در انگاره‌ی ترامپ سرمایه تلقی و از سوی ایران به عنوان یکی از محورهای اصلی تقابل (با این هژمون) تهدید می‌شد، یک طرح‌واره‌ی شخصیتی براساس خودشیفتگی در ترامپ تولید کرد که این طرح‌واره او را به عنوان تنها ناجی معرفی می‌کرد. این ناجی متناسب با همان طرح‌واره‌ی شخصیتی و ویژگی‌های دیگری مانند قدرت‌طلبی، اقتدارگرایی، عدم‌اعتماد به تعامل و... با نگرش به جهان اجتماعی از منظر معامله رفتار

خاصی را نسبت به برجام از سوی خود شکل داد که در آن تلاش داشت سلطه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ مورد نظر خود را در موافقت‌نامه‌ای جدید احیاء کند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت با توجه به آن که از دریچه‌ی سرمایه‌ی ترامپ معتقد بود علی‌رغم برجام خصومت ایران با ارزش‌ها و ترجیحات فرهنگی آمریکای هژمون همچنان باقی مانده و از منظر منش با اقتدارگرایی خود را بهترین معامله‌گر توصیف و در اجبار به بازگشت ایران به مذاکره ناکام ماند و نهایتاً از منظر خشونت نمادین با وجود تهدیدهای ابتدایی به خروج و تحریم، جمهوری اسلامی احترامی برای پرستیژ و حیثیت آمریکا قائل نبود در نتیجه تنها مسیر را در رد برجام تصور کرد. همچنین با دو فرض احتمالی احیاء برجام و نیز به قدرت رسیدن ترامپ در سال ۲۰۲۴، نتایج حاکی از آن بود که ثبات میدان تصمیم‌گیری ترامپ در طول زمان باعث سیاست‌هایی مانند آنتی‌تر در برابر دستاوردهای بایدن، نگرانی نسبت به ایران به عنوان یک ضد‌هژمون، ادامه‌ی سیاست اول آمریکا و در نهایت تصور ایران به عنوان دشمن هویتی و در نتیجه منجر به محتمل‌ترین سناریو یعنی تشابه رفتاری نسبت به برجام خواهد شد.

منابع فارسی

۱. احدی، پرویز، احدی‌لیلان، فیروز (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی ترامپ‌سیسم در سیاست خارجی آمریکا (مطالعه موردی: ایران و خاورمیانه). *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱(۴۵)، ۱۴۵-۱۶۲.
۲. ازغندی، علیرضا، جهانگیری، سعید، گروسی، ناصر (۱۳۹۹). واکاوی سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه و چالش‌های پیش‌روی آن (ابعاد و رویکردها). *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۲(۵)، ۲۵-۱.
۳. ترابی، قاسم، طاهری‌زاده، محمدناصر (۱۳۹۸). راهبرد کلان ترامپ در برابر نظام بین‌الملل برپایه مکتب جکسونیسم. *مجله سیاست دفاعی*، ۲۷(۱۰۸)، ۱۷۱-۱۹۶.
۴. رحیمی، رثوف (۱۳۹۸). ناسیونالیسم ترامپ در چارچوب سنت جکسونی و تاثیر آن بر تنش ایران و آمریکا. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۸(۳)، ۲۰۱-۲۲۸.
۵. زمانی، محسن، نیاکویی، امیر (۱۳۹۸). واکاوی عوامل موثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۲(۴۵)، ۹۵-۱۲۰.
۶. کرمی، امیرسعید، موسوی، عبدالعظیم (۱۳۹۸). مولفه‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۵(۳)، ۱۵۶-۱۸۱.
۷. کیوانی، علی، آئینه‌وند، علی، آئینه‌وند، حسن (۱۳۹۹). دونالد ترامپ و بازگشت ریگان‌سیسم جکسونی به سیاست خارجی آمریکا. *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، ۵(۵۵)، ۷-۲۵.
۸. گنجی، محمد، حیدریان، امین (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ. *فصلنامه راهبرد*،

۷۷-۹۷، (۷۲)۲۳

۹. یورونیوز (۲۰۲۲). بازگشت به واشنگتن، یورونیوز، ۲۷ جولای، در:

<https://per.euronews.com/2022/07/27/return-to-washington-not-yet-white-house-trump-hints-at-2024-candidacy>

English References

1. Adams, D. P. (2016). The Mind of Donald Trump. *The Atlantic*, June 6, at: <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/06/the-mind-of-donald-trump/480771/>.
2. Almohannadi, H. (2020). *A disastrous deal; assessing the Trump administration's decision to rescind the nuclear agreement with Iran*. Thesis of Master in Defence Studies. King's Collage London: Department of Defence Studies.
3. Barnes, J. (2018). Trump Policy in the Middle East: Iran. *Baker Institute*, March 22, at: <https://www.bakerinstitute.org/research/trump-policy-middle-east-iran>.
4. Bleau, P. (2014). *Realist Constructivism: Understanding Foreign Policy Intent*. thesis of Master of Arts in Global Security Studies. Maryland: Johns Hopkins University.
5. Bourdieu, P. (2020). *Habitus and Field, General Sociology*. Vol. 2, UK: Polity Press.
6. Campbell, D. (1992). *Writing security: United States foreign policy and the politics of identity*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
7. Crowley, M., Jakes, L. (2022). Trump's Shadow Looms Over Fading Iran Nuclear Talks. *The New York Times*, June 18, at: <http://www.nytimes.com/2022/06/18/us/politics/iran-nuclear-deal-trump.html>.
8. Drezner, D. (2020). Immature leadership: Donald Trump and the American presidency. *International Affairs*, 96(2), 383–400.
9. Gerretsen, J. (2017). *Self-made Men and Scapegoats*. thesis of Master. Leiden University: Faculty of Humanities.
10. Gillespie, L. (2019). Pierre Bourdieu: Habitus. *CLT*, Aug 6, at: <http://www.criticallegalthinking.com/2019/08/06/pierre-bourdieu-habitus/>.
11. Hirsh, M. (2022). Trump's Poison Pills Are Still Toxic. *FP*, May 16. at: <https://foreignpolicy.com/2022/05/16/donald-trump-poison-pill-election-presidency-return>.
12. Hughes, I. (2020). The dangerous psychology of Donald Trump. *Open Democracy*, November 1. at: <http://www.opendemocracy.net/en/transformation/dangerous-psychology-donald-trump/>.

13. Hussain, M. (2022). Joe Biden Deserves the Blame for Killing the Iran Nuclear Deal. *The Intercept*, April 21. at: <https://theintercept.com/2022/04/21/iran-nuclear-deal-biden-irgc/>.
14. Irna. (2022). American Faith leaders call on Biden to return to JCPOA. *Irna*, Jun 24. at: <https://en.irna.ir/news/84800007/American-Faith-leaders-call-on-Biden-to-return-to-JCPOA>.
15. Landler, M. (2018). Trump Abandons Iran Nuclear Deal He Long Scorned. *The New York Times*, May 8. at: <http://www.nytimes.com/2018/05/08/world/middleeast/trump-iran-nuclear-deal.html>.
16. Lyn. D. (2022). Trump hints at 2024 bid, says US going to hell very fast. *Anadolu Agency*, July 27. at: <https://www.aa.com.tr/en/americas/trump-hints-at-2024-bid-says-us-going-to-hell-very-fast/2646517#>.
17. Mossalanejad, A. (2018). The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy. *Geopolitics Quarterly*, 13(4), 20-52.
18. Mousavian, S. H., Mahmoudieh, Y. (2018). The Nuclear Deal: A Crossroad or Deadlock in Relations with Iran. *International Studies Journal*, 14(4), 143-168.
19. Narvaez, D. F. (2020). The Psychology of Donald Trump. *Psychology Today*, August 8. at: <https://www.psychologytoday.com/intl/blog/moral-landscapes/202008/the-psychology-donald-trump>.
20. Nuruzzaman, M. (2020). President Trump's Maximum Pressure Campaign and Iran's Endgame. *Strategic Analysis*, 44(6), 1-13.
21. Perwita, A., Razak, M. (2020). U.S. Foreign Policy Towards Iranian Nuclear Threat from Bill Clinton to Donald Trump Administration. *Insignia Journal of International Relations*, 7(1), 17-44.
22. Riley, D. (2017). Bourdieu's Class Theory. *Catalyst*, 1(2), 107-136.
23. Simon, S. (2018). Iran and President Trump: What Is the Endgame?. *Survival*, 60(4), 7-20.
24. Sloan, S. (2020). US Foreign Policy in 2021. *Atlantisch Perspectief*, 44(5), 38-43.
25. Spiegel, G. M. (2005). *Practicing History: New Directions in Historical Writing after the Linguistic Turn*, UK: Routledge.
26. Wagner, B., Laughlin, K. (2015). Politicising the psychology of social class: The relevance of Pierre Bourdieu's habitus for psychological research. *Quarterly Journal of*

- Experimental Psychology*, 25(2), 202-221.
27. Ward, M. (2022). Trump, in return to D.C., hints at 2024 while rehashing 2020. *Politico*, July 26. at: <https://www.politico.com/news/2022/07/26/trump-dc-2024-capitol-riot-00048052>.
 28. Wastnidge, E. (2020). Iran's Shia Diplomacy: Religious Identity and Foreign Policy in the Islamic Republic. *Berkley Center*, September 18. at: <https://berkeleycenter.georgetown.edu/publications/iran-s-shia-diplomacy-religious-identity-and-foreign-policy-in-the-islamic-republic>.
 29. Wiegmann, W. L. (2017). Habitus, Symbolic Violence, and Reflexivity: Applying Bourdieu's Theories to Social Work. *The Journal of Sociology & Social Welfare*, 44(4), 95-116.

Translate References to English

1. Adams, D. P. (2016). The Mind of Donald Trump. *The Atlantic*, June 6, at: <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/06/the-mind-of-donald-trump/480771/>.
2. Ahadi, P., Ahadi Lilan, F. (2021). Analysis of Components and Characteristics of the Trumpism Model in US Foreign Policy (Case Study: Iran and the Middle East). *Journal of Political and International Resarches*, 11(45), 162-145. **(In Persian)**
3. Almohannadi, H. (2020). *A disastrous deal; assessing the Trump administration's decision to rescind the nuclear agreement with Iran*. Thesis of Master in Defence Studies. King's Collage London: Department of Defence Studies.
4. Azghandi, A., Jahangiri, S. (2019). Donald Trump Foreign Policy Analysis in the Middle East and Challenges to It (Dimensions and Approaches). *Journal of Political Strategy*, 2(5), 25-1. **(In Persian)**
5. Barnes, J. (2018). Trump Policy in the Middle East: Iran. *Baker Institute*, March 22, at: <https://www.bakerinstitute.org/research/trump-policy-middle-east-iran>.
6. Bleau, P. (2014). *Realist Constructivism: Understanding Foreign Policy Intent*. thesis of Master of Arts in Global Secur ity Studies. Maryland: Johns Hopkins University.
7. Bourdieu, P. (2020). Habitus and Field, General Sociology. Vol. 2, UK: Polity Press.
8. Campbell, D. (1992). Writing security: United States foreign policy and the politics of identity. Minneapolis: University of Minnesota Press.
9. Crowley, M., Jakes, L. (2022). Trump's Shadow Looms Over Fading Iran Nuclear Talks.

- The New York Times*, June 18, at: <http://www.nytimes.com/2022/06/18/us/politics/iran-nuclear-deal-trump.html>.
10. Drezner, D. (2020). Immature leadership: Donald Trump and the American presidency. *International Affairs*, 96(2), 383–400.
 11. Euronews. (2022). Return to Washington. *Euronews*, July 27. at: <https://per.euronews.com/2022/07/27/return-to-washington-not-yet-white-house-trump-hints-at-2024-candidacy>. **(In Persian)**
 12. Ganji, M., Heydarian, A. (2014). Cultural Capital and Economy of Culture. *The Scientific Journal of Strategy*, 23(72), 77-97. **(In Persian)**
 13. Gerretsen, J. (2017). *Self-made Men and Scapegoats*. thesis of Master. Leiden University: Faculty of Humanities.
 14. Gillespie, L. (2019). Pierre Bourdieu: Habitus. *CLT*, Aug 6, at: <http://www.criticallegalink.com/2019/08/06/pierre-bourdieu-habitus/>.
 15. Hirsh, M. (2022). Trump's Poison Pills Are Still Toxic. *FP*, May 16. at: <https://foreignpolicy.com/2022/05/16/donald-trump-poison-pill-election-presidency-return>.
 16. Hughes, I. (2020). The dangerous psychology of Donald Trump. *Open Democracy*, November 1. at: <http://www.opendemocracy.net/en/transformation/dangerous-psychology-donald-trump/>.
 17. Hussain, M. (2022). Joe Biden Deserves the Blame for Killing the Iran Nuclear Deal. *The Intercept*, April 21. at: <https://theintercept.com/2022/04/21/iran-nuclear-deal-biden-irgc/>.
 18. Irna. (2022). American Faith leaders call on Biden to return to JCPOA. *Irna*, Jun 24. at: <https://en.irna.ir/news/84800007/American-Faith-leaders-call-on-Biden-to-return-to-JCPOA>.
 19. Karami, A., Mousavi, A. (2019). Geopolitical Elements and Components of Trump Foreign Policy against Islamic Republic of Iran. *International Quarterly of Geopolitics*, 15(3), 181-156. **(In Persian)**
 20. Keyvani, A., Ayenehvand, A., Ayenehvand, H. (2020). Donald Trump and the Return of Jacksonian Reaganism to American Foreign Policy. *International Journal of Nations Research*, 5(55), 7-25. **(In Persian)**
 21. Landler, M. (2018). Trump Abandons Iran Nuclear Deal He Long Scorned. *The New*

- York Times*, May 8. at: <http://www.nytimes.com/2018/05/08/world/middleeast/trump-iran-nuclear-deal.html>.
22. Lyn. D. (2022). Trump hints at 2024 bid, says US going to hell very fast. *Anadolu Agency*, July 27. at: <https://www.aa.com.tr/en/americas/trump-hints-at-2024-bid-says-us-going-to-hell-very-fast/2646517#>.
 23. Mossalanejad, A. (2018). The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy. *Geopolitics Quarterly*, 13(4), 20-52.
 24. Mousavian. S. H., Mahmoudieh, Y. (2018). The Nuclear Deal: A Crossroad or Deadlock in Relations with Iran. *International Studies Journal*, 14(4), 143-168.
 25. Narvaez, D. F. (2020). The Psychology of Donald Trump. *Psychology Today*, August 8. at: <https://www.psychologytoday.com/intl/blog/moral-landscapes/202008/the-psychology-donald-trump>.
 26. Nuruzzaman, M. (2020). President Trump's Maximum Pressure Campaign and Iran's Endgame. *Strategic Analysis*, 44(6), 1-13.
 27. Perwita, A., Razak, M. (2020). U.S. Foreign Policy Towards Iranian Nuclear Threat from Bill Clinton to Donald Trump Administration. *Insignia Journal of International Relations*, 7(1), 17-44.
 28. Rahimi, R. (2020). Trump's Nationalism in the framework of Jackson's tradition and its impact on US-Iran tension. *World Politics*, 8(3), 228-201. **(In Persian)**
 29. Riley, D. (2017). Bourdieu's Class Theory. *Catalyst*, 1(2), 107-136.
 30. Simon, S. (2018). Iran and President Trump: What Is the Endgame?. *Survival*, 60(4), 7-20.
 31. Sloan, S. (2020). US Foreign Policy in 2021. *Atlantisch Perspectief*, 44(5), 38-43.
 32. Spiegel, G. M. (2005). *Practicing History: New Directions in Historical Writing after the Linguistic Turn*, UK: Routledge.
 33. Toraby, G., Taheri Zadeh, M. N. (2019). A Jacksonian approach to Trump's grand strategy on international system. *Defense Policy*, 28(108), 171-196. **(In Persian)**
 34. Wagner, B., Laughlin, K. (2015). Politicising the psychology of social class: The relevance of Pierre Bourdieu's habitus for psychological research. *Quarterly Journal of Experimental Psychology*, 25(2), 202-221.
 35. Ward. M. (2022). Trump, in return to D.C., hints at 2024 while rehashing 2020. *Politico*, July 26. at: <https://www.politico.com/news/2022/07/26/trump-dc-2024-capitol-riot->

00048052.

36. Wastnidge, E. (2020). Iran's Shia Diplomacy: Religious Identity and Foreign Policy in the Islamic Republic. *Berkley Center*, September 18. at: <https://berkeleycenter.georgetown.edu/publications/iran-s-shia-diplomacy-religious-identity-and-foreign-policy-in-the-islamic-republic>.
37. Wiegmann, W. L. (2017). Habitus, Symbolic Violence, and Reflexivity: Applying Bourdieu's Theories to Social Work. *The Journal of Sociology & Social Welfare*, 44(4), 95-116.
38. Zamani, M., Niyakuei, A. (2019). A Survey on the Factors Affecting the Exit of the United States from the JCPOA. *Research Letter of International Relations*, 12(45), 120-95. **(In Persian)**

